



# صد هایکوی مشهور

ترجمهٔ ع. پاشایی

دانیل. سی. بیوکائز



春  
冬  
夏  
秋

دانیل سی . بیو کانن

ع . پاشائی

صد  
هایکوی  
مشهور

برگردانی است از:

*On Hundred Famous Haiku*  
selected and Translated into English  
by  
Daniel C. Buchanan  
1977

صد هایکوی مشهور  
نویسنده: دانیل سی. بیوکانن  
مترجم: ع. پاشانی  
طراح جلد: مرتضی ممیز  
لیتوگرافی: بصیر  
چاپ و صحافی: صنوبر  
چاپ اول: تهران ۱۳۶۹  
تیراژ: ۳۰۰۰

ناشر: دنیای مادر

تهران / صندوق پستی ۸۹۸-۱۳۱۴۵ / تلفن ۴۱۵۷۷۸۵



به مانی و بیژن امامی

پیشگفتار مترجم	۷
پیشگفتار	۹
بهار	۱۱
تابستان	۵۵
پائیز	۸۵
زمستان	۱۰۷
فهرست نامها	۱۱۹

## فهرست

## پیشگفتار مترجم

● امیدوار بودم این کتاب ویراسته جناب احمد شاملو باشد، اما درد مدام دست از يك سو، و سفر سرودخوانی ایشان در غربت موجب شد که از چهار سالفصل این کتاب فقط بخش اعظم فصل بهار ویراسته شود، که جانانه سپاسگزار ایشانم.

● هایکو - که نوعی شعر ژاپنی است، با هفده هجا - غالباً با تصورات خصوصاً قدیمی ما از شعر جور در نمی آید. خواننده هایکو کم تر می خواند و بیش تر آمده ها و نیامده ها را عمیقاً در آن می بیند. هایکو جولانگاه کلام نیست، گوشه ئی است از میداچه ئی، و از آن «زیبائی» و آرایش صوری و ساختاری که غالباً مطلوب و مقصود خواننده فارسی زبان از شعر فارسی است - بی بهره است.

● در برگردان فارسی هایکوها غالباً به همان ترجمه تحت اللفظی بسنده کرده ام و به بیش از این نیز نیازی نیست. به دو دلیل. یکی آن که در هایکو - و نیز در برگردان آن، میدانی برای گردش کلام نمی توان یافت، چرا که هایکو چند واژه ئی (هفده هجا) بیش نیست، و کاریش هم نمی توان کرد. اما دلیل دوم که اصل کار است: به این معنا که به نظر من ضروری نیست که خواننده ما به هنگام خواندن هایکو آمیختگی ها و تداعی های پیشین خود را به کار گیرد. هایکو را باید تجربه کرد. به عبارت دیگر، در رویارویی با هایکو - در واقع با جهانی که هایکو دری است به آن - باید توقعی را که معمول و مرسوم ما از شعر است کنار گذاشت و به شعر در «جامه کلام موزون و زیبا» و آرایش های کلامی و صنایع بدیعی، به معنای متعارف آن، نگاه نکرد. هایکو عریان و فاقد هرگونه پیرایه بدیعی است. «سخن زیبا» (خصوصاً در ترجمه) نیست، پس جستن

او در کلام زیبا یا آهنگین، گره بر باد زدن است.  
در مقدمه کتاب هایکو\* مفصلاً از چند و چون این نوع از شعر و تأثیر آئین بودائی ذن در آن سخن گفته‌ام و مکرر نمی‌کنم. شرح کوتاهی با هر يك از این هایکوها همراه است - که کار مترجم انگلیسی است - که ضروری نیست خواننده در چارچوب آن گرفتار بماند یا پای‌بند آن باشد. می‌تواند تخیل خود را آزادانه به کار گیرد. اما کسانی که مقدمه هایکو را - که رابطه ذن و هایکو به شمار می‌آید - خوانده‌اند عمیق‌تر به آن نگاه خواهند کرد و به فضای ژرف‌تر و دیگرگونه‌ئی از «شعر» پا خواهند نهاد.

• چاپ برگردان فارسی را به همان شکل متن انگلیسی درآورده‌ایم. واژه‌نگاره‌های (character) ژاپنی شعرها و صورت لاتینی آنها، و خوشنویسی‌ها را حفظ کرده‌ایم. ضروری است که آنها را ببینیم، تماشا کنیم، و بخوانیم. چه غم اگر ژاپنی نمی‌دانیم، چشم‌ها و گوش‌های ما را آرامشی فراهم می‌آورد. نمی‌دانم دیگر چه باید گفت.

ع. پاشائی

اردیبهشت ۶۹

---

\* هایکو (احمد شاملو و ع. پاشائی)، چاپ دوم، تهران، ابتکار ۱۳۶۸.

## پیشگفتار

صدها سال پیش در نتیجه مسابقات شعر، يك قالب شعری در ژاپن پیدا شد که به هوکو (hokku: صدور شعر)، یا های کو (haiku: بازی شعر) معروف شد. چنین شعرهایی را های کای (haikai: بازی مناسب) هم می خوانده اند، اما واژه هایکو اکنون کاربردی عمومی تر یافته است. هایکو قالبی بسیار ساده است، فقط سه سطر دارد، پنج هجا در سطر اول، هفت هجا در سطر دوم، و پنج هجا در سطر سوم، رویهم رفته هفده هجا. اندیشه های بسیار گوناگونی را می توان در این دایره محدود باز گفت. این ها برخی از مضامین دلخواه شاعران هایکوسرای ژاپنی است: کوتاهی عمر، زن، پرندگان و جانوران دیگر، حشرات، درختان و گل ها، کوه ها، ماه و آفتاب، برف و باران و مه، و جلوه های دیگر طبیعت. همیشه ارجاع و اشاره ای به فصل هست، گاهی بسیار نامستقیم، از این دست: «ماه سرد» که اشاره به زمستان است، و «شکوفه های گوجه»، اشاره به بهار، و «مگسگان شبتاب» به تابستان، یا «برگ های افرا» به پاییز.

در هایکو نمادگرایی فراوان به کار برده می شود، و نیز اشاره هایی پنهان که غالباً لطیف است، اگر چند به زبانی ساده بیان شده باشد. مشاهده دقیق طبیعت و عشق به آن بازگفته می شود. این مشخصات برجسته شعر ژاپنی مکرراً با توجه عمیق به عواطف همراه است. بسیاری از هایکوها نگاره ها یا تصویرهای کلامی زیبایی است، اما نه توصیف پر از ریزه کاری و پرکار. نگفته ها و نیامده ها در آن بسیار است، و خواننده مختار است که آن ها را در اندیشه خود پر کند، و به هر شکلی که می خواهد تعبیر کند. کم نیست هایکوهایی که می توان آن ها را به چندین گونه تعبیر کرد:



زبان ژاپنی از این نظر بسیار انعطاف‌پذیر است. بازی با لغات، و انواع جناس، در گفتار و نوشتار ژاپنی از ارج و قرب خاصی برخوردار است.

نفوذ نیرومند آئین بودائی ذن (zen) با تأکید آن بر عرفان و نظارهٔ احوال درونی در بسیاری از این‌گونه شعرها آشکار است. تعجبی هم ندارد، چون بسیاری از هایکوسرایان یا از رهروان مسافر زائر بودند یا از دیرنشینان.

هایکو را باید بارها و بارها خواند، زیرا اغلب در هر بار خواندن به کشف تعبیر تازه‌ئی می‌رسیم... خواننده در این شعرها نباید پی وزن و قافیه و این جور چیزها بگردد.

... در ترجمهٔ این شعرها سعیم بر این بوده است که شکل سه خطی آن‌ها حفظ شود... یادداشت‌های توضیحی شعرها برای بسیاری از خوانندگان توضیح واضح‌تری است اما شاید خیلی‌ها را نیز به کار آید.

بهار

春

*Haru*

Ume-ga-ka ni  
Notto hi no deru  
Yamaji kana.  
—Bashō

بر شکوفه‌های دلاویز گوجه  
خورشید ناگاه برمی‌آید.  
نگاه کن، يك راه کوهستانی!

梅<sup>うめ</sup>  
の が  
山<sup>やま</sup> つ 香<sup>か</sup>  
路<sup>じ</sup> と に  
か 日<sup>ひ</sup>  
な の  
出<sup>で</sup>  
る

ترکیب زیبایی و عطر شکوفه‌های گوجه در طول راه کوهستانی به هنگام  
دمیدن خورشید، اعجاب و ستایش شاعر را برمی‌انگیزد.  
ماتسو باشو (۱۶۴۴-۱۶۹۴) بزرگ‌ترین هایکوسرای تمام دوران‌ها، در  
خانواده‌ئی سامورای و تنگدست در جنوب ژاپن به جهان آمد. در جوانی یار  
و همدم سنگین (Sengin)، پسر امیر استان ایگا بود. دوازده سال بعد، به  
هنگام مرگ سنگین، در دیر کوه کویا (Koya) معتکف شد. چندی آنجا مانده  
آنگاه راه کیوتو پیش گرفت که پایتخت امپراتور بود. آنجا نزد کیگین  
هایکو آموخت و اندکی پس از آن مکتب خاص خود را آغاز کرد. گروهی  
صاحب قریحه شاگرد او شدند که برخی از آنان خود در زمینه هایکو مکاتبی  
بنا نهادند.

Haru nare ya!

Namo naki yama no

Usu-gasumi.

—Bashō

آیا به راستی بهار آمده؟  
روی آن کوه بی نام می آرامند  
لایه‌های نازک مه.

春<sup>はる</sup>  
名<sup>な</sup> な  
薄<sup>うす</sup> も れ  
霞<sup>がすみ</sup> な や  
き  
山<sup>やま</sup>  
の

آن کوه نه از آن رو «بی نام» است که نامی ندارد، بل که شاعر نمی‌خواهد از میان آن همه قله‌های زیبای منطقه نارا به یکی برجستگی دهد. توجه کنید که باشو آغاز فصل را با آغاز روز در تقابل قرار می‌دهد. کوه‌های پوشیده از لایه‌های مه در ژاپن فراوان به چشم می‌خورد و آدم معمولی آن را چیز قابل توجهی نمی‌داند، اما شاعر آن‌ها را می‌بیند و بر آن‌ها درود می‌فرستد: که هم زیبایی ذاتی دارند و هم منادیان بهارند.

Shihō yori  
Hana fuki irete  
Niō-no-umi.

—Bashō

از همه سو  
شکوفهٔ گیلاس می‌دمد  
بر «دریاچهٔ دو خدایان».

四し  
花はな 方ほう  
鳩にお 吹ふ よ  
(仁き り  
王) 入い  
の れ  
海うみ て

این دریاچه، که به نام‌های بیوا یا ئومی معروف‌تر است، بزرگ‌ترین گسترهٔ آب شیرین ژاپن است. هزاران گیلاس‌بُنی که در کناره‌های آن رسته به هنگام شکوفه چشم‌انداز زیبا و شگفت‌انگیزی به وجود می‌آورد. دو خدایان (نی‌ئو)، یعنی ایندره و برهما، خدایان برجستهٔ هندو به شمارند؛ و پیکره‌های عظیم آنان را غالباً در دو سوی دروازهٔ معابد بودائی می‌توان دید که معابد را در برابر اهریمنان پاسبانی می‌کنند.

Kane kiete

Hana no ka wa tsuku

Yūbe kana.

—Bashō

ناقوس‌های معبد از صدا می‌افتد  
شکوفه‌های عطرآگین به جای می‌ماند.  
شبی کامل!

鐘<sup>かね</sup>

花<sup>はな</sup> کی

夕<sup>ゆふ</sup> の え

べ 香<sup>か</sup> て

か は

な つ

く

زیبائی و آرامش شب اواخر بهار در يك معبد کوهستانی را شاعر چه شگفت‌انگیز در هفده هجا به بند کشیده است! تقریباً می‌توان درای عمیق ناقوس عظیم را شنید، شکوفه‌های سفید و صورتی گیلان بنان را دید، و عطر لطیف آن‌ها را بوئید. باید دانست که در ادبیات ژاپنی هرگاه نام شکوفه یا گلی به میان آید که نام یا صفتی اضافی همراه آن نباشد، مقصود شکوفه گیلان است. در پایان روز در مناطق روستائی ناقوس‌های معبد وقت را اعلام می‌کند.

Fūryū no  
Hajime ya! oku no  
Ta-ue uta.

—Bashō

ظرافت قدیمی!  
آنجا، در شالیزار،  
ترانه شالیکاری.

風かぜ  
初はじ流りゅう  
田ため の  
植うや  
え 奥おく  
歌うた の

روزی باشو و دوستی در این باره گفت و گو می کردند که آیا ظرافت طبع را در مناطق روستائی نیز می توان یافت. در همان هنگام از شالیزار مجاور که زنان در آن به نشای شالی مشغول بودند آواز دلنشینی به گوش رسید. باشو این هایکو را سرود و نشان داد ظرافت طبع یا آراستگی، که اینهمه در شهر بزرگ تدو به آن می پرداختند، عملاً با ترانه های شالیکاری آغاز شده است.

Kome no naki  
Toki wa hisago ni  
Ominaeshi.

—Bashō

در قحط برنج  
کدو کاسه را  
نومیناشی نمی هست.

米<sup>こめ</sup>  
時<sup>とき</sup> の  
女<sup>お</sup> は な  
郎<sup>な</sup> 瓢<sup>ひょう</sup> き  
花<sup>し</sup> に

در قرن هفدهم «قحط برنج» برای روستائیان و تنگدستان فراوان پیش می‌آمد، در چنین مواقعی خوراک مردم جو بود و سیب‌زمینی شیرین یا سبزی‌های صحرائی. «نومیناشی» گلی است که به زیبایی شکننده‌اش معروف است اما خوردنی نیست. واژه‌نگارهٔ چینی آن را *musume no hana* نیز می‌شود خواند که می‌تواند «گلِ دختر» ترجمه شود. باشو، که رهرو بودائی بود، بسیار فقیر بود و خورد و خوراکش را دوستان و شاگردانش فراهم می‌کردند. ظرفی از کدوی قلیانی بیرون خانه می‌گذاشتند تا ستایندگان شاعر در آن برنج و خوراکی‌های دیگر بگذارند.



Ochizama ni  
Mizu koboshi keru  
Hana tsubaki.

—Bashō

بر خاک می افتد،  
آب پاکیزه از جام کاملیا  
می ریزد.

落お  
水みず ち  
花はな こ ぎ  
椿つばき ぼ ま  
し に  
け  
り

در ادبیات ژاپنی سامورای را غالباً به کاملیائی تشبیه می کنند که گلش تنها چند روز بر شاخه می ماند و آنگاه، همچنان سالم، بر زمین می افتد. زندگی سامورای هم شاید مثل آن گل درخشان اما کوتاه باشد. این شعر اشاره نامستقیمی دارد به تعلیم فلسفی ذن درباره کوتاهی و بی یقینی زندگی.

Yase sune mo

Areba zo, hana no

Yoshino-yama.

—Bashō

ساق‌هایم گرچه نزار است  
به جایی می‌روم که گل‌ها می‌شکند،  
کوه یوشینو.

瘦や

あ せ

吉よれ す

野のば ね

山やま ぞ も

花は

の

تماشای شکوفه زیبا و بی‌شمار گیل‌های وحشی قلعه یوشینو - در  
حاکم‌نشین نارا - بدان می‌ارزد که پیرمردی با پاهای لاغرش که نیروی آن‌ها  
بسی کم‌تر از روزگار جوانی‌شان است شش هزار پا از کوه بالا برود. پس  
زندگی خوب، صعودی است دراز که خصوصاً در سال‌های آخر عمر بسیار  
سخت است اما پاداش انجام آن جز رضایت خاطر نیست.

Sakura chiru

Nawashiro-mizu ya

Hoshi-zuki-yo.

—Buson

شکوفه‌های گیلاس فرو می‌افتد  
بر آب بستر شالیزارها:  
ستاره‌ها در مهتاب.

桜さくら  
苗なち  
星ほし代しろる  
月つき水みづ孕な  
夜よや

تانیگوچی بوسون (۱۷۱۶-۱۷۸۳) که در نقاشی و شاعری به يك اندازه شهره است اینجا تصویر کلامی ظریفی را نقاشی کرده است. شکوفه‌های فروریخته گیلاس بر آب بستر شالیزارها را به ستارگانی تشبیه می‌کند که در آسمان درخشان شبی مهتابی پراکنده است.

雨<sup>あめ</sup>  
都<sup>みやこ</sup>の  
桃<sup>もも</sup>に日<sup>ひ</sup>  
の遠<sup>とお</sup>や  
やき  
ど

Ame no hi ya!  
Miyako ni tōki  
Momo no yado.  
—Buson

روز بارانی است.  
از پایتخت دور است  
خانه شکوفه هلوی من.

گرچه شاعر در پایتخت (کیوتو) زندگی می‌کند، به سبب روز بارانی، برای  
خانه روستائی خود در حلقه هلوبنان شکوفا، دلتنگی می‌کند.

Haru no umi

Hinemosu notari,

Notari kana.

—Buson

دریا در بهاران

تمام روز برمی آید و فرو می افتد،

آری، بر می آید و فرو می افتد.

春<sup>はる</sup>

ひ の

の ね 海<sup>うみ</sup>

た も

り す

か の

な た

り

دریا در بهار، گرچه غالباً آشفته توفانها نیست، باز مدام در تلاش است. در زندگی يك شخص یا يك ملت نیز همیشه همینگونه فراز و فرودها را مقداری یکنواختی هست. هرگاه این شعر بلند خوانده شود صوت واژه نوتاری نوتاری برآمدن و فرو افتادن امواج را به گوش می رساند.

Kinō ini,  
Kyō ini, kari no  
Naki yo kana.  
—Buson

می رفتند دیروز،  
امروز، امشب... غازه‌های وحشی  
همه رفته‌اند، آوازخوان.

昨<sup>きの</sup>  
今日<sup>の</sup>  
な 日<sup>う</sup> い  
き い に  
夜<sup>よ</sup> に  
か 雁<sup>かり</sup>  
な の

همه عشاق حیات وحش می‌توانند در اندوه شاعر که بر رفتن غازه‌های  
وحشی از آشیانگاه‌های‌شان مویه می‌کند شریک باشند. شاید یکی بپرسد که  
اشاره به فصل در این هایکو کجاست. در جان ژاپنی، پرواز غازه‌های وحشی  
از کاشانه زمستانی خود اشاره روشنی است به بهار.

Teshoku shite  
Niwa fumu hito ya  
Haru oshimu.

—Buson

شمعدان در دست،  
بین، در باغ می گردد،  
بر بهار اندوه می خورد.

手て  
庭にお 燭しよく  
春はる ふ し  
惜おむ て  
し 人ひと  
む や

آخرین واژه ژاپنی در این هایکو «توشیمو» که «اندوه می خورد» ترجمه شده  
معنای «خواهان» نیز دارد. از این رو، مردی که شمعدان در دست دارد و در  
میان باغ می گردد بر وداع بهار افسوس می خورد و می خواهد بگذارد آن  
فصل بگذرد.

Haru kaze ni  
Osaruru bijo no  
Ikari kana!

—Gyōtai

از نسیم‌های بهاری  
دختر زیبا به عقب رانده می‌شود.  
چه خفتی!

春<sup>はる</sup>  
お 風<sup>かぜ</sup>  
い さ に  
か る  
り る  
か 美<sup>び</sup>  
な 女<sup>じよ</sup>  
の

گیوتای (یا گیودای، ۱۷۹۲-۱۷۳۲) به نارضائی و ناخشنودی دختر جوان عاشق توجه می‌کند که نسیم بهاری مو و جامه‌اش را پیریشان می‌کند. در حالی که شاعر از این صحنه خوشش می‌آید، از واکنش دختر هم تعجب می‌کند.



Utsukushiki

Tako agari keru  
Kojiki-goya.

—Issa

美<sup>うつく</sup>し  
し  
き  
あ  
が  
り  
け  
り  
乞<sup>こ</sup>食<sup>じ</sup>小<sup>こ</sup>屋<sup>や</sup>

چه زیبا  
آن بادبادك به آسمان پرواز می کند  
از کلبه گدا.

美  
し  
き  
あ  
が  
り  
け  
り

ایسا (۱۷۶۳-۱۸۲۷) که خود مردی بینوا بود مشاهده پرواز زیبای بادبادکی را از کلبه‌ئی محقر شادمانه به تماشا می‌ایستد. پرواز بادبادك گویای آرزوها و خواهش‌های پنهان ساکن آن کلبه است.

Kuwa no e ni  
Uguisu naku ya  
Ko-ume mura.  
—Issa

بر دستۀ فوکا  
بلبلی می‌نشیند و آواز می‌خواند  
دهکده گوجه‌بن کوچک.

鋏くわの  
鶯うぐいすの  
小こな柄え  
梅うめくに  
村むらや

در نقاشی و ادبیات ژاپنی، بلبل (اوگوئیسو) همیشه با گوجه‌بنان و شکوفه‌ها همراه است. آن که با راه‌های تفکر و احساس ژاپنی هم‌دل است می‌تواند در این شعر کوتاه آواز زیبای این پرنده کوچک را بشنود و عطر شکوفه‌های گوجه را ببوید.

Harusame ya!  
Nezumi no nameru  
Sumida-gawa.  
—Issa

نرمبار بهاری.  
نگاه کن، موشی آب می نوشد  
از رود سومیدا

春<sup>はる</sup>  
鼠<sup>ねずみ</sup> 雨<sup>さめ</sup>  
隅<sup>すみ</sup> の や  
田<sup>た</sup> な  
川<sup>がわ</sup> め  
る

توجه کنید چه گونه باران لطیف با آب نوشیدن موش توازن دارد. در این شعر می‌توانید صدای درپ، درپ، درپ، [صوت‌واژه فرو ریختن باران] و چلپ، چلپ، چلپ موش کوچک تشنه را بشنوید. با آن که دور و بر موش پر از آب خوب آشامیدنی است، چرا باید به رود بزرگ سومیدا برود؟ نیروی عادت؟

(Hato ikenshite iwaku)

Fukurō yo,

Tsurakuse naose

Haru no ame.

—Issa

(پند کبوتر)

«حالا بیا، دوستم جغد،

اخمت را وا کن

این باران بهاری است.»

梟ふくろうよ  
(鳩はと意見いけんしていわく)  
面つら癖くせな  
春はるの雨あめおせ

ایسا که بینای دقیق رفتار حیوانات و پرندگان است دریافت که کبوتران اعتنائی به باران نمی‌کنند اما جغدها در هوای مرطوب از لانه‌هاشان در درخت‌ها و در میان سنگ‌ها بیرون نمی‌آیند. او از زبان کبوتر پندی طنزآمیز به جغدها می‌دهد - و به انسان‌ها هم - تا نگران و دلتنگ اوضاع و حوادثی که از قدرت ایشان خارج است نباشند. ایسا به طنز خوب گرم و دوستانه و مهر به پرندگان و چارپایان معروف است. سطر اول مقدمه است. هایکو عموماً با «فوکوریو» (حالا بیا، دوستم جغد) شروع می‌شود.

Yuki tokete,  
Mura ippai no  
Kodomo kana.

—Issa

برف آب شده است  
تمام ده را  
بچه‌های شاد پر کرده‌اند.

雪<sup>ゆき</sup>  
村<sup>むら</sup>と  
子<sup>こ</sup>いけ  
供<sup>ども</sup>つて  
かば  
ない  
の

با آب شدن برف و فرارسیدن هوای گرم، بچه‌ها می‌توانند دوباره شادمانه در  
کوچه‌های دهکده بازی کنند و شاعر در شادی ساده آنان شرکت جوید. ایسا  
کودکان را بسیار دوست می‌داشت. او خود پنج بچه داشت که همه در  
خردسالی مردند.

あ  
春<sup>はる</sup>は っ  
浅<sup>あさ</sup>は さ  
黄<sup>き</sup>来<sup>き</sup> り  
空<sup>ぞら</sup>に と  
け  
り

Assari to  
Haru wa ki ni keru  
Asagi-zora.  
—Issa

سادگی خالص  
نشانهٔ فرا رسیدن بهار است -  
يك آسمان زرد روشن.

あ  
は  
さ  
き  
に  
き  
り  
と  
け  
り

ایسا مرد ساده‌ئی بود که سلیقه‌های ملایمی داشت و از «سادگی خالص» آغاز بهار بسیار لذت می‌برد، زیرا در غالب موارد همین سادگی خالص راه فرا رسیدن فصل بهار است. تغییرات مهمی که در زندگی صورت می‌گیرد نیز به همین گونه است: اغلب به آرامی و با نمایشی اندک.

Kano momo ga  
Nagare-kuru ka yo  
Haru-gasumi.

—Issa

آیا همان هلو به زیر خواهد آمد  
شناور در باریکه رود؟  
مه‌های بهاری.

か  
流ながの  
春はるれ 桃もも  
霞がすみく が  
る  
か  
よ

اشاره است به افسانه پریان موموتارو (هلوبچه) که او را در هلوی بزرگی یافتند که به طرف پیرزنی که در نهر کنار کلبه‌اش رخت می‌شست شناور بود. ایسا با مشاهده تصویر پیرزنی که کنار نهری رخت می‌شست داستان «هلویسر» را به خاطر می‌آورد و با خود می‌اندیشد که آیا هلویی بر آب خواهد آمد. [یاد فرزندان از دست شده ایسا را نیز نباید از نظر دور داشت].

Kado kado no  
Geta no dorō yori  
Haru tachinu.

—Issa

بر هر درگاه  
از گل کتله‌ها  
بهار نوی آغاز می‌شود.

門かど  
下げ 々かど  
春はる 駄た の  
立た の  
ち 泥ぢ  
ぬ よ  
り

گل کتله‌ها خود نشان بهار است، زیرا در زمستان زمین سخت‌تر از آن است که به کتله [دم‌پائی چوبی] بچسبد. ایسا از پاپوش گل‌آلود شادی می‌کند که بهار دوباره باز آمده است تا به انسان برکت دهد. به این ترتیب آنچه عموماً زشت و نامطلوب به حساب می‌آید شاید در نهان پیک زیبایی و شادی باشد، اما چنین مکاشفه‌نی مستلزم آن است که شاعری آن را ببیند.



Suzume-go ya!

Akari shōji no

Sasa no kage.

—Kikaku

گنجشک‌های جوان را نگاه کن!  
روی درهای کشوئی کاغذین،  
سایه‌های برگ‌های خیزران.

雀<sup>すずめ</sup>  
あ子<sup>こ</sup>  
笹<sup>ささ</sup>かや  
のり  
影<sup>かげ</sup>障<sup>しょう</sup>  
子<sup>こ</sup>  
の

در ادبیات و هنر تصویری ژاپنی، گنجشک‌ها و برگ خیزران اغلب معاشرند. يك روز زیبای بهاری است. در باغ، خورشید بر برگ‌های خیزران می‌درخشد و بر کاغذهای نازک سفید و شفاف درهای کشوئی خانه سایه‌های زربفت‌مانندی نقش می‌کند. بیرون گنجشک‌های جوان به این سو و آن سو می‌پرند و شادمانه جیک جیک می‌کنند. احتمالاً چنین صحنه‌ئی باید الهام‌بخش شاعر برای سرودن این هایکو شده باشد. کی‌کاکو (۱۶۶۱-۱۷۰۷) یکی از شاگردان خاص باشو بود.

Hi wa ochite  
Masu ka to zo miyuru  
Haru no mizu.  
—Kitō

خورشید فرو می‌نشیند،  
آیا حجم آب‌های بهار  
فزون‌ی یافته؟

日ひ  
増まは  
春はるす 落お  
の か ち  
と て  
ぞ  
み  
ゆ  
る

کی‌تو (۱۷۴۱-۱۷۸۹) احساس می‌کند پس از فرو نشستن خورشید که دیگر چیزی مزاحم توجه انسان نیست حجم آب باران لطیف بهاری افزایش می‌یابد. وفور باران در بهار از آن جهت سخت مطلوب است که خاک شالیزارها را نرم می‌کند تا برای کشت برنج که غله اصلی کشاورزان است آماده شود.

Na no tsukanu  
Tokoro kawayushi,  
Yama-zakura.  
—Goshun

در دوردست‌های بی‌نام  
شکوفه‌های افسون‌کننده و دلنشین  
گیلاس‌های وحشی!

名<sup>な</sup>の  
所<sup>ところ</sup>の  
山<sup>やま</sup>か つ  
ざ わ か  
く ゆ ぬ  
ら し

در بهار زیبایی طبیعی را شاید همه جا بتوان یافت حتی در کوه‌های دورافتاده و بی‌نام. با چشم‌های بینا و دل‌های دریابنده، ما نیز شاید زیبایی و رضایت را حتی در برخی جاهای بسیار خلوت و نامحتمل کشف کنیم. گوشون، که به گیگ کی (Gekkei) هم معروف است، در ۱۷۵۲ به جهان آمد و در ۱۸۱۱ درگذشت.

地ち  
 風たに  
 なにお  
 かたり  
 りまて  
 けし  
 りい

Chi ni orite  
 Tako ni tamashii  
 Nakari keru.

—Kubonta

از وقتی که بر زمین نشست  
 روح بلند آن بادبادک  
 به تمامی رفته است.

地ち  
 風た  
 なにお  
 かたり  
 りまて  
 けし  
 りい

هنگامی که مردان بر گرده باد پرغرور توفیق اوج می‌گیرند قدرت روحی بسیار دارند اما چون ناگزیر شوند به زمین آیند و به امور پیش پا افتاده زندگی پردازند معمولاً آن را از دست می‌دهند. کوبونتا در ۱۸۸۱ به جهان آمد و در ۱۹۲۴ درگذشت.

Haru-kaze ya!

Mugi no naka yuku

Mizu no oto.

—Mokudō

نسیم بهاری لطیف!

از میان جوزار سبز هجوم می‌آورد

صدای آب.

春<sup>はる</sup>

麦<sup>むぎ</sup> 風<sup>かぜ</sup>

水<sup>みづ</sup> の や

の 中<sup>なか</sup>

お ゆ

と く

موکودو (۱۶۶۵-۱۷۲۳)، فردی سامورای از طایفه هیکونه و شاگرد باشو بود. نسیم بهاری که از فراز سنبله‌های موج جو می‌گذرد صدائی ایجاد می‌کند که به جریان آب می‌ماند و غالباً امواج سبز خلیج یا دریاچه‌ئی را تداعی می‌کند.

Rakka eda ni  
Kaeru to mireba  
Kochō kana.

—Moritake

شکوفه افتاده  
به شاخه باز می گردد.  
نگاه کن، پروانه‌ئی!

落<sup>ら</sup>つ  
か 花<sup>か</sup>  
胡<sup>こ</sup>へ 枝<sup>え</sup>だ  
蝶<sup>ち</sup>ょう<sup>う</sup>る に  
か と  
な 見<sup>み</sup>  
れ  
ば

موریتاکه (۱۴۷۴-۱۵۴۹) روحانی عالیمقام معبد ایسه، از دین شینتو یکی از  
نخستین هایکوسرایان بود. تصویر کلامی ساده‌ئی که نقش کرده چه زیبا  
است!

Hatsu-kochi no  
Kawayu no akari  
Ugoki keru.  
—Ōemaru

نخستین باد شرقی  
چراغ را در آن آبریزگاه کهنه  
به لرزش در می آورد.

初<sup>はつ</sup>  
厠<sup>かわや</sup> 東<sup>こ</sup>  
う の 風<sup>ち</sup>  
ご あ の  
き か  
け り  
り

نوئمارو (۱۷۱۹-۱۸۰۵) تاجر بود و شاگرد ریوتای شاعر. حتی موضوع  
ناچیزی چون لرزش چراغ آبریزگاه بیرون ساختمان توجه شاعری  
طبیعت دوست را به خود جلب می کند، و نسیمی که موجد آن است به مثابه  
طلایه بهار ستوده می شود.

Haru no hi ya!

Niwa ni suzume no

Suna abite.

—Onitsura

يك روز دوست داشتني بهاري

بيرون در باغ

گنجشكان در ماسه شست و شو مي كنند

春<sup>はる</sup>

庭<sup>に</sup>の<sup>お</sup>

砂<sup>すな</sup>に 日<sup>ひ</sup>

あ す や

び ず

て め

の

ئونیتسورا (۱۶۶۱-۱۷۳۸) رهرو بودائی و شاگرد باشو بود. شاعر گنجشكها را که در ماسه شست و شو می کنند به تماشا می ایستد و در روز بهاری به تأمل می پردازد. دل ما نیز اگر با طبیعت همساز باشد، می توانیم از چیزهای ساده زندگی لذت ببریم.



Uguisu ya!

Ume ni tomaru wa

Mukashi kara.

—Onitsura

نگاه کن، يك بلبل!  
از روزگاران قدیم  
بر گوجه بنان نشسته اند.

鶯<sup>うぐいす</sup>  
梅<sup>うめ</sup> یا  
昔<sup>むかし</sup> へ  
か と  
ら ま  
る  
は

در ادبیات و نقاشی ژاپنی، بلبل همیشه با گوجه بن همراه است. این درخت در آغاز بهار شکوفه می کند و چه بسیار به هنگامی که هنوز برف بر زمین نشسته است می شکوفد. از این رو، ژاپنی ها آن را درختی دلیر دانسته می ستایند.

あけぼの  
曙や  
麦むぎ  
春はるの  
の葉は  
霜しも末え  
の

Akebono ya!  
Mugi no hazue no  
Haru no shimo.

—Onitsura

روز نوی دمیده!  
بر تیزه سبزه های جو  
یخبندان بهاران.

چه تصویر کلامی زیبایی که رهرو بودائی شاعری برای ما نقش کرده است!  
دیگر چه می توان گفت؟

Gaikotsu no

Ue wo yosōte

Hana-mi kana.

—Onitsura

اسکلت‌های جامه‌پوش  
در تن‌پوش جشن بیرون آمده‌اند  
تماشای گل را.

骸<sup>がい</sup>  
上<sup>うえ</sup> 骨<sup>こ</sup>  
花<sup>はな</sup> を の  
見<sup>み</sup> よ  
か そ  
な う  
て

به جای ستودن منظرهٔ افسون‌کنندهٔ مردمی که به زیبایی لباس پوشیده‌اند و زیر درختان پر از شکوفه‌های دوست‌داشتنی گیلان به تفریح مشغولند، رهرو پیر با بدبینی در کوتاهی عمر تأمل می‌کند - و این واکنش طبیعی یک رهرو ذن است.

Umazume no

Hina kashizuku zo

Aware naru!

—Ransetsu

زن نازا

به عروسك‌های كوچك می‌پردازد.  
چه تأسف‌آور است!

石<sup>うま</sup>女<sup>ずめ</sup>  
ひ 女<sup>め</sup>  
哀<sup>あ</sup>な の  
れ か  
な し  
る づ  
く  
ぞ

رانست سو (۱۶۵۴-۱۷۰۷) با تأسف به زنی نازا (در لغت «زن سنگی») می‌نگرد که عروسك‌ها را برای «روز جشن عروسك» (هینا ماتسوری) آماده می‌کند. آن روز، که در سوم مارس (۱۲ اسفند) برگزار می‌شود، در سراسر ژاپن تعطیلی خاص دخترها است، و پنجم مه (۱۵ اردی‌بهشت) «روز پسران». در زمان‌های اخیر هر دو جشن را یکی کرده روز ۵ مه برگزار می‌کنند که يك تعطیلی ملی است و نامش را «روز کودکان» (کودومو نو هی) گذاشته‌اند.

Furi-aguru

Kuwa no hikari ya!

Haru no nora.

—Sanpū

کلنگ‌ها با حرکتی موزون  
در آفتاب برق می‌زند!  
بهار در کشتزاران است.

振ふる  
鋤くわり  
春はるの 上あ  
の ひ ぐ  
の か る  
ら り  
や

کلنگ‌های درخشان روستائیان که زمین را تکه تکه و آماده کشت بهاره می‌کند به خاطر شاعر می‌آورد که بهار فرا رسیده است. سانپو (یا سامپو ۱۶۴۷-۱۷۳۲) یکی از ده شاگرد خاص باشو بود.

Hina no kao

Ware zehi naku mo

Oi ni keru.

—Seifu

صورت‌های عروسک‌ها.

به راه‌های ناگزیر

باید پیر شده باشم.

雛ひな

我われの

老おぜか

いひお

にな

けく

りも

سیفو (۱۶۵۰-۱۷۲۱) - زنی رهرو و شاعر - به عروسک‌ها که برای روز جشن عروسک (۱۲ اسفند) بر قفسه‌ها چیده شده نگاه می‌کند و چون در می‌یابد که دیگر توجهش برانگیخته نمی‌شود، می‌اندیشد که پیری اجتناب‌ناپذیرش فرا رسیده. هایکو اشاره‌ئی به تقدیر بودائی دارد.

Shima-jima ni

Hi wo tomoshi keru

Haru no umi.

—Shiki

روی تمام جزیره‌ها

چراغ‌های درخشان اکنون نمودار می‌شود.

دریا در هنگام بهار.

島<sup>しま</sup>

灯<sup>ひ</sup>々<sup>しま</sup>

春<sup>はる</sup>を<sup>を</sup>に

の<sup>の</sup>と

海<sup>うみ</sup>も

し

け

り

چراغ‌های جزایر مجاور و زورق‌های ماهیگیری در خلیج ترکیب می‌شود تا زیباترین تصویر شبانه دریای آرام آغاز بهار را بسازد. در حدود همان زمان درگذشت شیکی (۱۸۶۷-۱۹۰۲) من که پسربچه‌ئی بودم بارها در تاکاماتسو درست يك چنین صحنه‌هائی را از پنجره اتاق خوابم که بر «دریای داخلی» مشرف بود به چشم دیده‌ام.

Haru no hi ya  
Hito nani mo senu  
Komura kana.

—Shiki

يك روز آفتابی بهار،  
مردم کاری نمی‌کنند  
در روستای کوچک.

春はる  
人ひとの  
小こ何なに日ひ  
村むらもや  
か せ  
な ぬ

شاعر خوشحال بود که می‌دید روستائیان که معمولاً همیشه در تلاشند گاهی می‌توانند در يك روز بهاری به استراحت کامل پردازند و تنها از بیکاری لذت ببرند.



菅<sup>すげ</sup>  
 着<sup>き</sup> 笠<sup>がさ</sup>  
 茶<sup>ちや</sup> て を  
 摘<sup>つ</sup> か  
 み が  
 か み  
 な 見<sup>み</sup>  
 る

Suge-gasa wo  
 Kite kagami miru  
 Chatsumi kana.  
 —Shikō

کلاهی از سُد کوفی بر سر می گذارد  
 در برابر آئینه جامه اش را مرتب می کند،  
 زن چای چین.

حتی روستائی برگ چای چین هم زن است، و همیشه مواظب سر و وضع و مراقب جذاب بودنش است. شیکو (۱۶۶۵-۱۷۳۱) نخست روحانی بودائی بود و بعد پزشک شد.

Kore wa kore wa  
To bakari, hana no  
Yoshino-yama.

—Teishitsu

مال من، اوه مال من! -

دیگر نتوانستم چیزی بگویم؛ در نظاره گلها  
بر کوه یوشینو.

ح  
    と    れ  
吉    ば    は  
野    か    こ  
山    り    れ  
    花    は  
    の

در آوریل (فروردین) تپه‌های قلّه یوشینو از گیلان بنان کوهی شکوفا سفید است، و هزاران تن از شهرها برای تماشای آن چشم‌انداز باشکوه به کوه می‌روند. این زیبایی چنان غالب بود که هیچ واژه‌ئی نمی‌توانست به درستی آن را برای تیشیتسوی شاعر (۱۶۱۰-۱۶۷۳) وصف کند.

Mugi kuishi,  
Kari to omoedo  
Wakare kana!

—Yasui

جو را می‌خورند،  
غازهای وحشی‌ئی که من آرزوی‌شان را دارم:  
اما وقتی که بروند....

麦むぎ

雁かり く

別わか と い

れ お し

か も

な え

ど

در سرزمینی که غذا کم بود، از جو که غازهای وحشی می‌خوردند  
نمی‌توانستند بگذرند، با اینهمه شاعر می‌اندیشد موقعی که این مرغان زیبا  
(برای آشیانگاه‌های‌شان) بروند.... انتظار می‌رود خواننده اندوه و تنهایی  
حاصله را دریابد و برای خود بیان کند. یاسوئی (۱۶۵۷-۱۷۴۳) تاجری از  
ناگویا و یکی از شاگردان باشو بود.  
سطر دوم این هایکو «کاری تو ئوموندو» را می‌توان این طور هم ترجمه  
کرد: «می‌اندیشم به غازهای وحشی».

Sake nakute

Nan no onore ga

Sakura kana.

بدون جاری کردن شراب  
چه سودی دارد به حال من  
گیلاس بنان شکوفای دلنشین؟

酒さけ  
何なんな  
桜さくらのく  
か己おのれて  
なが

ترجمه آزاد: «بدون شراب حتی / شکوفه‌های زیبای گیلاس / جاذبه اندکی دارد.» در ماه فروردین که گیلاس بنان در ژاپن شکوفه می‌کند، تمام خانواده‌ها، جمع دوستان، یا همکاران کسب و کار روزی را تعطیل می‌کنند و با هم برای گردش به نقاط زیبای مشهور می‌روند. بارها می‌توان گیشاها یا زنان معاشر را همراه آنان دید که زیر شاخه‌های پر از شکوفه گیلاس می‌رقصند یا نشسته‌اند یا آرمیده‌اند، می‌خورند و می‌نوشند و می‌خوانند و روز خوش پرهیاهویی را می‌گذرانند. ساکه فراوانی می‌نوشند، و بسیاری از آنان چنان مست می‌شوند که شامگاه به زحمت به خانه برمی‌گردند. از اینجا است هایکوی مشهور فوق. شاعر این هایکو ناشناخته (لا ادری) است.

تابستان

夏

*Natsu*

Hototogisu

Naki, naki tobu zo

Isogawashi.

—Bashō

به «کوکو» گوش فراده،

می خواند و می خواند، پروازکنان،

چه پرمشغله است!

郭ほととぎす

鳴な 公きみ

い き

そ な

が き

わ 飛と

し ぶ

ぞ

تصویر کلامی زیبایی است که به انسان‌ها کار کردن و شاد بودن می‌آموزد.  
سطر دوم را می‌توان «بی‌وقفه، در پرواز آواز می‌خواند» هم ترجمه کرد.

Natsu-kusa ya!  
Tsuwamono-domo ga  
Yume no ato.  
—Bashō

شما علف‌های تابستانی!  
رؤیاهای باشکوه جنگجویان بزرگ  
اکنون تنها ویرانه‌ها.

夏なつ  
つ 草くさ  
夢ゆめ わ や  
の も  
あ の  
と ど  
も  
が

این شعر را باشو هنگامی سرود که در کنار ویرانه‌های علفپوش دژ تاکاداته -  
قرارگاه طایفه بزرگ فوجیوارا - نشسته بود و بر آن می‌گریست.  
شکوه‌مندی‌های دیروز نیز به زودی از یاد رفته و خاکستر آن دستخوش باد  
می‌شود یا آن که به ویرانه‌های علفپوش امروز بدل می‌گردد.

Ie wa mina  
Tsue ni shiraga no  
Haka mairi.

—Bashō

خانواده، همگی  
عصا به دست و سپیدموی،  
به نظاره گورها می روند.

家<sup>いえ</sup>  
杖<sup>つえ</sup>は  
墓<sup>はか</sup>に 皆<sup>みな</sup>  
詣<sup>まい</sup> 白<sup>しら</sup>  
り 髪<sup>が</sup>  
の

تابستان است و هنگام دیدار از گورهای رفتگان و نیاکان. شاعر در می یابد  
که دیری نمی گذرد که این گروه سپیدموی نیز در گور بیارامند.



Kasa mo naki

Ware wo shigururu ka

Nanto nanto!

—Bashō

بی کلاه خیزرانی بر سر

آیا این ریزبار بر من می بارد؟

غمی نیست!

笠かき

我れも

なをな

んしき

とぐ

なる

んる

とか

آخرین سطر این هایکو را می توان آزادانه و به این شکل گفت «ککم نمی گزد.» این هایکو به جای هفده هجای معمول، نوزده هجا دارد. چه غم! گو داشته باش.

بی اعتنائی شاعر به باران درسی است برای دیگران که شرایط و تجربه های ناخوشایند را فیلسوفانه بپذیرند. هوا در رفتار و کردار خیلی از مردم اثر می گذارد.

Samidare wo  
Atsumete hayashi  
Mogami-gawa.  
—Bashō

五<sup>き</sup> 集<sup>あ</sup> 月<sup>み</sup>  
最<sup>も</sup> め 雨<sup>だ</sup>  
上<sup>が</sup> て を  
川<sup>が</sup> 早<sup>は</sup>  
し

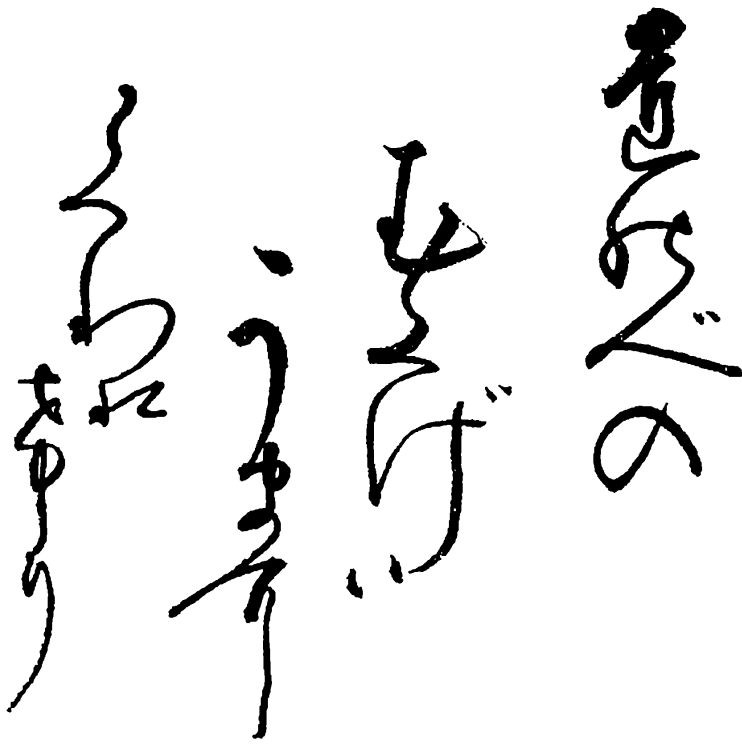
باران‌های آغاز تابستان  
گرد می‌آورد و می‌سازد  
تنداب رود موگامی را.

واژه ژاپنی سامیداره که «باران‌های آغاز تابستان» ترجمه شده در لغت به معنای «باران ماه پنجم» است و چون سیصد سال پیش، که باشو زندگی می‌کرد، تقویم قمری معمول بود ماه پنجم حدود ماه ژوئن (از اواسط خرداد تا اواسط تیر) کنونی بود. «نوبای» یا فصل باران، وقتی است که باران غالباً هفته‌ها یکریز می‌بارد. در این هنگام نهرهای کوچکی چون موگامی به رودهای خروشان بدل می‌شود. دو اصطلاح دیگر «فصل باران» baiu و tsuyu که چون با واژه‌نگاره چینی 梅雨 نوشته شود به معنی «باران گوجه‌بن» است.

道<sup>みち</sup>  
木<sup>き</sup> の  
く 權<sup>けん</sup> べ  
わ は の  
れ う  
け ま  
り に

Michi nobe no  
Mukuge wa uma ni  
Kuware keru.  
—Bashō

در کنار رود رُسته بود  
نرگس شارون  
اسبم همین دم آن را خورده.

A vertical calligraphic rendering of the poem in Japanese characters. The characters are written in a fluid, expressive style, typical of traditional Japanese calligraphy. The text is arranged in three vertical columns, reading from right to left. The rightmost column contains the characters '道' (Michi), 'の' (no), and 'の' (no). The middle column contains '木' (ki), 'の' (no), '権' (ken), and 'べ' (be). The leftmost column contains 'く' (ku), 'わ' (wa), 'は' (ha), 'の' (no), 'れ' (re), 'う' (u), 'け' (ke), 'ま' (ma), and 'り' (ri).

هرچند این شعر واقعی است، اما رنگ و بوی تعلیمات ذن را دارد در زمینه  
کوتاهی عمر، که مهم نیست چه قدر زیبا است.

Yaburi no  
Yume ya azuki no  
Nieru uchi.

—Buson

روز تعطیلی خادم خانه.

آیا خواب می بیند

که روی اجاق لوبیا قرمز می جوشد؟

や  
夢<sup>ゆめ</sup>ふ  
煮<sup>に</sup>や 入<sup>り</sup>  
え 小<sup>あ</sup>の  
る 豆<sup>ず</sup>  
う の  
ち

یابوئیری تعطیلی نیمه سال پادوها و خدمتکاران و سایر خادمان خانگی بود. اینها روز ۱۶ ژانویه (۲۶ دی) و ۱۶ ژوئیه (۲۵ تیر) مجاز بودند که به خانه‌های خودشان بروند، یا در خیابان‌های شهر، پارکها، معابد و سایر عبادتگاه‌ها پرسه بزنند. در چنین مواقعی لوبیا چیتی (azuki) را با برنج مخلوط می‌کردند و می‌پختند و در خانه به عنوان غذای مخصوص می‌خوردند. شاگرد جوان در کنار اجاق چرت می‌زند و لوبیاچیتی‌سی که مادرش بار گذاشته دارد می‌جوشد. چه رؤیائی در سر دارد؟ حدسش با خواننده است.

Hata utsu ya  
Michi tou hito no  
Miezu narinu.

—Buson

روستائی به فوکا زدن ادامه می‌دهد.  
مردی که راه را پرسیده بود  
اکنون از نظر دور شده است.

畑はた  
道みち う  
見み 問と つ  
え う や  
ず 人ひと  
な の  
り  
ぬ

روستائی به کار خود سرگرم است و غریبهٔ مسافر را که ایستاده و راه را از او پرسیده بود از یاد برده است. ما نیز هم غالباً چنان مشغول کارها و وظایف خودمانیم که چندان توجهی به نیازهای دیگران نداریم. [یا به گونه‌ئی دیگر می‌توان گفت که برزیر چندان با حرکت (فوکا زدن) و خاک و گرما (آسمان) یگانه است که خود را و مسافر را - که وقفه‌ئی کوتاه بود - از یاد برده است.]

Tsurigane ni  
Tomarite nemuru  
Kochō kana!  
—Buson

روی ناقوس معبد  
چیزی در خوابی آرام غنوده.  
نگاه کن، پروانه‌ئی.

釣つり  
止と鐘かね  
胡こり へ  
蝶ちようて  
か ね  
な む  
る

بوسون شاعر بود و نقاش، و اینجا لذت چشم و دل ما و نسل آینده را  
تصویری ظریف نگاشته است. به تقابل (contrast) میان ناقوس سیاه عظیم  
و پروانه کوچک ظریف توجه کنید. این هایکو رنگ زن دارد درباره بر آب  
بودن زندگی و نامعلومی سرنوشت.

Asagao ni  
Tsurube torarete  
Morai mizu.

—Chiyojo

نیلوفر صحرائی

دلو چاه مرا اسیر کرده است.

برای آب به جای دیگر خواهم رفت.

朝<sup>あさ</sup>  
釣<sup>つ</sup> 顔<sup>がお</sup>  
貰<sup>もら</sup> 瓶<sup>びん</sup> へ へ  
い と  
水<sup>みづ</sup> ら  
れ  
て

چی یوجو (۱۷۰۳-۱۷۷۵) را عموماً بهترین زن هایکوسرای ژاپن دانسته‌اند، و این هایکو شاید بیش از هر شعر دیگر او خواننده داشته است. عشق ژاپنی‌ها را به شکوفه‌ها و گل و طبیعت به زیبایی تصویر می‌کند. به جای شکستن گل شکننده‌ئی که دور دلو پیچیده بود دختر دهاتی طلب آب را به همسایگی می‌رود.

Tombo-tsuru  
Kyō wa doko made  
Itta yara.

—Chiyojo

صیاد سنجاقك  
چه دور رفته‌ای  
امروز؟

蜻<sup>と</sup>  
今<sup>き</sup> 蛉<sup>ぼ</sup>  
行<sup>い</sup> 日<sup>よ</sup> っ  
っ 日<sup>う</sup> っ  
は り  
た ど  
や こ  
ら ま  
で

این شعر را در مرگ پسر خردسالش سروده است. او تنها فرزندش بود و شکار سنجاقك را دوست می‌داشت. هرچند مستقیم و آشکارا گفته نشده، اما غم مادر، زیبا و مهرآمیز بیان شده است.



Hana sakanu

Mi wa kurui yoki

Yanagi kana.

—Chiyojo

گلی ندارم  
آزادم که دیوانه وار فرو غلتم  
به کردار بیدبن.

花<sup>はな</sup>  
身<sup>み</sup> さ  
柳<sup>やなぎ</sup> は か  
か く ぬ  
な る  
い  
よ  
き

شاعر می گوید او «گلی» ندارد (شوهر و فرزندش مرده بودند)، پس چیزی ندارد که مردم را جلب کند و از این رو می تواند آزادانه مثل بیدبن با هر بادی به این سو و آن سو پرتاب شود.

Hirou mono

Mina ugoku nari

Shiohi-gata.

—Chiyoyo

چیزهایی که برمی دارم  
حرکت می کند، شسته می شود  
روی ساحل به هنگام جزر.

拾ひ  
皆みな う  
潮しほ う も  
干ひ ご の  
が く  
た な  
り

شاید این شعر بیان ساده واقعیت باشد، یا شاید چنین تعبیر شود که «هرچه  
من در ساحل زندگی به دست می آورم می کوشد مرا ترك کند.» آیا اشاره‌ئی  
است به فلسفه نومیدی بودائی؟

Yase-gaeru  
Makeru na, Issa  
Kore ni ari.

—Issa

آه، غوك لاغر  
جنگ را نياز،  
ایسا اینجاست که یاریت کند.

瘡<sup>やせ</sup>  
蛙<sup>がえる</sup>  
負<sup>ま</sup> 蛙<sup>がえる</sup>  
こ け  
れ る  
に な  
あ 一<sup>い</sup>  
り 茶<sup>さ</sup>

می‌گویند روزی ایسا غوك بزرگی را با غوك كوچك لاغری در جنگ می‌بیند  
و برای تشویق غوك لاغر این هایکو را سرود. اینجا، شاعر دلسوزیش را به  
ناتوانان نشان می‌دهد. می‌گویند که ایسا خود مرد ناتوانی بود.

Tsuji-dangi  
Chimpunkan mo  
Nodoka kana.

—Issa

موعظة کنار راه،  
تمامش برایم بی معنا است، اما نگاه کن  
چه آرام است او!

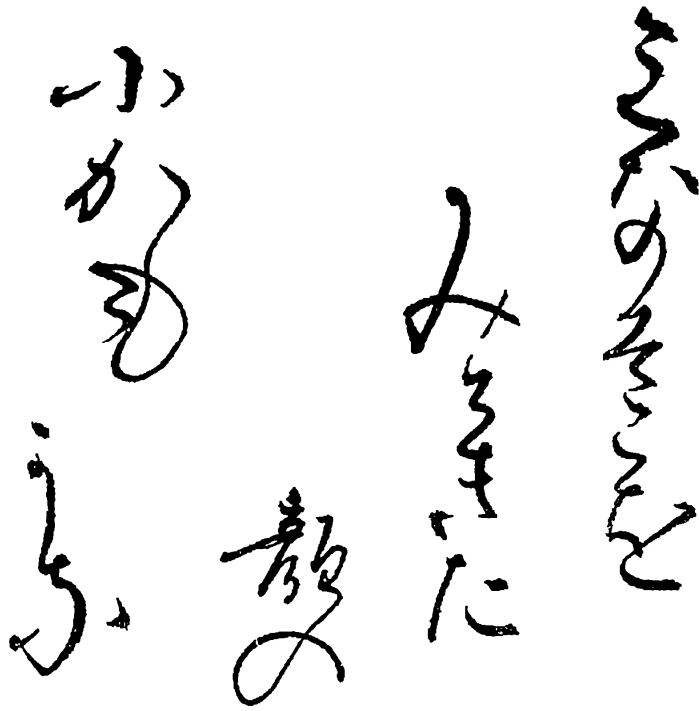
辻つじ  
ち だ  
長のん ン  
閑どかぶ ぎ  
か ン  
な かん  
ん  
も

موعظه فاضلانۀ روحانی مسافر آن قدرها در شاعر مؤثر نمی افتد که آرامش  
مرد موعظه گر. بدین گونه زندگی و کردارهای ما غالباً بیش از گفتارمان  
دیگران را سودمند است.

水<sup>みな</sup>  
見<sup>み</sup>底<sup>ぞこ</sup>  
小<sup>こ</sup>てを  
鳴<sup>な</sup>き  
かた  
な顔<sup>かお</sup>  
の

Minasoko wo  
Mite kita kao no  
Kogamo kana.  
—Jōsō

«ته آب را  
دیده و برگشته ام» می گوید  
چهره خوتکا.



水見底を  
鳴き  
かた  
な顔の

جوسو (۱۶۶۲-۱۷۰۴) یکی از ده شاعر خاص باشو بود. شاعر گویا به چیزهایی که ناآشکار است اشاره می کند. چیزهایی که شاید به خلاف نظر اول آن قدرها هم جالب نباشد. [خوتکا نوعی مرغابی کوچک وحشی است.]

Amagaeru  
Bashō ni norite  
Soyogi keru.

—Kikaku

داروگ خرد  
بر درخت موز نشسته  
به نرمی تاب می خورد.

雨<sup>あま</sup>  
芭<sup>ば</sup>蛙<sup>がえる</sup>  
蕉<sup>しょう</sup>  
そ  
よ  
ぎ  
け  
り  
り  
て

وضع متزلزل «غوك سبز كوچك باران» (داروگ) كه روى برگ لرزان و لغزان موز تاب می خورد تصویر ذن است از خطرات و عدم قطعیت های زندگی. توجه کنید كه واژه ژاپنی برای درخت موز «باشو» است، و تخلص آموزگار کی کاکو نیز «باشو» بود.

Yūdachi ya !

Ta wo mimeguri no

Kami naraba

—Kikaku

ای رگبار شامگاهی،  
در شالیزارها بگرد  
اگر خدای آن هائی.

夕<sup>ゆ</sup>  
田<sup>た</sup>立<sup>だ</sup>  
神<sup>か</sup>を<sup>み</sup>や  
な 見<sup>み</sup>  
ら め  
ば ぐ  
り  
の

این دعای شاعر است در میمه‌گوری، در هفتم تیرماه ۱۶۹۴ به تقاضای شالیکارانی که شالیزارهاشان از بی‌آبی می‌سوخت. نوشته‌اند که نزدیکای شامگاه توفان شد و تندبار بزرگی فرو بارید. این هایکو بازی جالبی با کلمه دارد. میمه‌گوری نام دهی است که شالیکاران آن از شاعر خواستند برای‌شان طلب باران کند. این واژه (که در سطر دوم آمده) به معنای گشتن و دور زدن یا «گشت نجیبانه» نیز است. از این رو شاعر می‌گوید «اگر تو خدای ده میمه‌گوری هستی نگاهی به پیرامونت بیانداز (گشتی در آن دور و بر بزن) و ببین چه قدر به باران نیاز است.»

Yume ni kuru

Haha wo kaesu ka?

Hototogisu.

—Kikaku

در رؤیاها می آید

مادرم. چرا بازش فرستادی؟

ای کوکوی سنگدل.

夢ゆめ

母はに

ほ を く

と か る

と え

ぎ す

す か

واژه ژاپنی «کوکو»، هوتوتوگی سو است [که مانند «کوکو»ی فارسی صوت واژه است.] چون صدای این پرنده غالباً شبها شنیده می شود، آن را پیک دره سایهها می دانند. شاعر، مادر مرده اش را در رؤیا در کنار خود می بیند، از آواز کوکو بیدار می شود و پرنده را به این خاطر که مادر محبوبش را از او دور کرده ملامت می کند. صفت «سنگدل» در شعر نیامده، اما تلویحاً بیان شده.



Chōchō no  
Shitau hanawa ya  
Kan no ue.

—Meisetsu

پروانه‌ها  
مشتاقانه دنبال می‌کنند  
حلقه گل روی تابوت را.

蝶ちようちよう  
慕した々  
棺かんう の  
の は  
上うえな  
わ  
や

این هایکو در تدفین دوست عزیزی سروده شده است. واژه ژاپنی «شیتاو» که «مشتاقانه دنبال می‌کنند» ترجمه شده به معنای عمیق‌تر «آرزوی چیزی را داشتن» یا «عزیزانه دوست داشتن» نیز است. به این ترتیب شاعر به طور زیبایی اشتیاقش را برای دوست درگذشته‌اش بیان می‌کند. می‌ستسو در ۱۸۴۷ به جهان آمد و در ۱۹۲۶ درگذشت.

Asagao ni  
Kyō wa miyuran  
Waga yo kana.

—Moritake

نیلوفر

امروز به روشنی بسیار آشکار می‌کند  
چرخهٔ زندگانی مرا.

朝<sup>あさ</sup>  
今<sup>いま</sup> 顔<sup>がお</sup>  
我<sup>われ</sup> 日<sup>ひ</sup> に  
世<sup>よ</sup> は  
か み  
な ゆ  
ら  
ん

مقصود گل نیلوفر صحرائی است. این شعر که سرودهٔ یکی از نخستین  
هایکوسرایان است، گویای تعلیم بودا است که بنا بر آن زندگی هرچند زیبا  
که باشد باز بسیار شکننده است و دیری نمی‌گذرد که هیچ می‌شود. این  
هایکو جی‌سی\* یا شعر مرگ شاعر است. او روحانی عالیمقام معبدایسه بود.  
گل نیلوفر رمز زیبایی و کوتاهی عمر است: بامدادان می‌شکفتد و  
نیمروزان می‌پژمرد.

---

Jisei •

こ  
                  い　い  
と　え　こ  
ん　ど　い  
で　ほ　と  
ゆ　た  
く　る  
                  が

Koi, koi to  
Iedo hotaru ga  
Tonde yuku.

—Onitsura

بیا! بیا! هرچند آواز می‌دهم  
شبتاب‌ها اما پروای من ندارند.  
و پرواز کنان می‌گذرند.

こいこい  
いどほたるが  
とんでゆく

می‌گویند نونیتسورا این هایکو را در هشت‌سالگی سروده. او بعدها شاعری  
پراوازه گشت و معتکف دیر دُن شد، و دیری بزیست.

Yūdachi ya!

Chie samazama no

Kaburi-mono.

—Otsuyū

تندبار شامگاهی!

هوشمندان صاحب قریحه

پوشش‌های گوناگون سر به کار می‌برند.

夕ゆう

智ち立たち

か 恵えや

ぶ さ

り ま

も ぎ

の ま

の

شاعر می‌بیند وقتی رگبار می‌بارد مردمی که بیرون از خانه هستند هرچه دم دست‌شان بیاید روی سرشان می‌گیرند و شتابان سرپناهی می‌جویند. در دوره توکوگاوا، که این هایکو در آن زمان سروده شده، آرایش مو و گیسوی مردان و زنان غالباً کاری دشوار و پر از ریزه‌کاری بوده است. اگر این آراسته‌ها از باران خیس می‌شد باک درد سر درست می‌کرد؛ از این جاست نیاز به سریع فکر کردن و فراهم آوردن چیزی یا پوششی که آن آرایش را از باران حفظ کند. همین گونه است در زندگی که چون اوضاعی نامنتظر پیش آید، برای مقابله با آن‌ها هوش انسان روش‌های جورواجور اختراع می‌کند. نوتسویو در ۱۶۷۵ به جهان آمد و در ۱۷۳۹ درگذشت.

Ta-otome ya!

Yogorenu mono wa

Uta bakari.

—Raizan

ای دختران شالیکار!  
همه چیزتان گل آلود است  
مگر ترانه‌هایی که می‌خوانید.

田<sup>た</sup>  
汚<sup>き</sup>少<sup>お</sup>  
歌<sup>う</sup>れ女<sup>と</sup>  
ばぬや  
かも  
りの  
は

دخترانی که در شالیزارها برنج نشا می‌کنند تا بالای زانو در گل فرو می‌روند و جامه و دست و روی‌شان به گل شالیزار آلوده می‌شود. در این حالت شاید جالب نباشند، اما ترانه‌های کهنسالی که در وقت نشا می‌خوانند چندان زیبا و افسون‌کننده است که شاعر را به تحسین برمی‌انگیزد. رای‌زن در ۱۶۵۴ به جهان آمد و در ۱۷۱۶ درگذشت.

Machi naka wo  
Ogawa nagaruru  
Yanagi kana.  
—Shiki

از میان مرکز شهر  
نهر کوچکی جاری است، مرزبندی شده  
با بیدن‌های مجنون.

町<sup>まち</sup>  
小<sup>お</sup> 中<sup>なか</sup>  
柳<sup>やなぎ</sup> 川<sup>が</sup> を  
か な  
な が  
る  
る

يك تصوير كلامی از يك شهرک نوع ژاپنی، که از وسط خیابان اصلی آن نهر کوچکی می‌گذرد. زنان در کنار این نهر گرد می‌آیند و برنج و لباس می‌شویند و پرچانگی می‌کنند؛ بچه‌ها شادمانه داد و فریاد و بازی می‌کنند؛ و پیرمردان زیر سایه شاخه‌های آویزان بید مجنون می‌نشینند که ببندیشند، با دوستان خوش و بش کنند، و گهگاه نیز اظهار نظری.

ماساتوکا شیکی (۱۸۶۷-۱۹۰۲) که نویسنده با استعدادی در نظم و نثر بود در سی و پنج سالگی به مرض سل درگذشت. هرچند شهری بود اما سخت عاشق و ستاینده زیبایی طبیعی بود. غالباً به نقاط روستائی و کوهستانی سفر می‌کرد.

Kumpū ya!  
Senzan no midori  
Tera hitotsu.

—Shiki

خنکای نسیم تابستانی!  
در میان هزار کوه سبز  
معبدی تنها.

薰く  
千せん 風ふう  
寺てら 山さん や  
一ひと の  
つ み  
ど  
り

واژه «کومپو» که «نسیم تابستانی» ترجمه شده معنای «نسیم خوشبو» نیز دارد. غالباً می‌توان بوی خوش نسیم ملایمی را که از میان کاج‌های هزار کوه سبز می‌آید، و نیز بخور خوشی را که از محراب‌های معبد کهنه برمی‌خیزد شنید.

Bon-odori

Ato wa matsu-kaze

Mushi no koe.

—Sogetsu

رقص «جشن ارواحان»!  
پس آنگاه کاج‌های نجواگر  
و آوازهای حشرات.

盆ぼん  
あ 踊おど  
虫むし と り  
の は  
こ 松まつ  
え 風かぜ

در سراسر ژاپن بون-ئودوری یا «جشن همه ارواح» نزدیک اواخر تیرماه به مدت سه روز برگزار می‌شود. گورهای خانوادگی را می‌آریند، و خوراک و نوشابه و اغلب نیز فانوس‌های روشن بر آن‌ها می‌گذارند، زیرا معتقدند که ارواح درگذشتگان به خانه قدیمی خانوادگی که به دقت رُفت و روب و آراسته شده باز می‌گردند. شامگاه در هر شهر و دهی رقص دستجمعی خاصی برپا می‌شود که در آن پسر و جوان، زن و مرد بهترین لباس‌ها یا کیمونوهای تازه آهارزده خود را می‌پوشند، و با شادی بسیار و خوشباشانه در آن شرکت می‌کنند. آخر شب رقصندگان کف می‌زنند و پایکوبی می‌کنند، و ترانه‌ئی قدیمی را دم می‌گیرند، و دور یک برج چوبی حلقه می‌زنند؛ روی این برج طبل بزرگی هست که با آن ضرب می‌گیرند. وقتی که رقص تمام شد و شرکت‌کنندگان به خانه‌هاشان رفتند، تنها صدائی که به گوش می‌رسد آواز نسیم از میان درختان کاج و جیرجیر حشرات شب است. سوگتسو (۱۷۵۹-۱۸۱۹)، زن رهرو بودائی، صداهاى آهسته، نسیم‌هائی که از میان کاج می‌وزد، و آواز حشرات را در اواخر شب، پس از تمام شدن رقص پر سر و صدا و طولانی، به زیبایی وصف کرده است.



Okite mitsu

Nete mitsu, kaya no

Hirosa kana.

—Ukihashi

می نشینم نگاه می کنم،  
دراز می کشم نگاه می کنم.  
چه فراخ است پشه بند!

起<sup>お</sup>  
寝<sup>ね</sup> き  
広<sup>ひろ</sup> て て  
さ み み  
か つ つ  
な 蚊<sup>か</sup>  
帳<sup>や</sup>  
の

این شعر را به چی یوجو هم نسبت داده اند و می گویند آن را در بیست و هفت سالگی، در مرگ شوهرش سروده است. اما این شعر از زن دیگری است، از اوکیهاشی روسبی. پروفیسور آساتارو میاموری در شعرهای هایکو، کهنه و نو می گوید این هایکو در جنگی که ویراسته دیسوکو (Deisoku) در ۱۶۹۴ بود، آمده و این چند سال پیش از به دنیا آمدن چی یوجو است.

پائیز



*Aki*

ほ  
とおと  
も竹と  
るやぎ  
月ぶす  
夜よを

Hototogisu  
Ō-takeyabu wo  
Moru tsukiyo.  
—Bashō

بشنو کوکوی دلنواز را.  
از میان بیشه خیزران‌های بلند  
ماه تمام می‌گذرد.

時馬  
おと  
竹  
ぶす  
よを

آیا بیشه خیزران‌های بلند آواز پرنده را می‌پالاید، یا مهتاب را، یا هر دو را؟ این هایکو مثل خیلی از هایکوهای دیگر چند معنا دارد. فعل مورو که عموماً «نشت کردن» و «تراویدن» ترجمه می‌شود، به معنی «پالودن» (از صافی عبور دادن و صاف کردن) نیز است.

Furu-ike ya!  
Kawazu tobikomu  
Mizu no oto.

—Bashō

بر برکه کهن  
غوکی ناگاه فرو می جهد.  
صدای آب.

古<sup>ふる</sup>  
蛙<sup>かわ</sup>池<sup>いけ</sup>  
水<sup>みづ</sup>とや  
のび  
音<sup>ね</sup>こ  
む

این شاید معروف‌ترین هایکوی باشو باشد. سکوت عمیق در باغ کهن به ناگاه با «صدای آب»، که ترجمه تحت‌اللفظی سطر سوم شعر است، و از جهیدن غوک به برکه پدید آمده می‌شکند. باشو در ده سال آخر عمر به مطالعه‌ی ذن پرداخت که فرقه‌ی نظاره در احوال خویش است و این نکته آشکارا در این هایکو منعکس است.

Mono ieba

Kuchibiru samushi

Aki no kaze.

—Bashō

دمی که سخنی به لب آورده می شود  
لبها سخت سرد می شود  
به کردار باد خزانی.

物<sup>もの</sup>  
唇<sup>くちびる</sup> 言<sup>い</sup>  
秋<sup>あき</sup> 寒<sup>さむ</sup> え  
の し ば  
か  
ぜ

شاعر فیلسوف در می یابد که پس از به لب آوردن سخنی لبها سخت سرد می شود؛ بدین معنا برای کسی که حرفی زده، موقعیت چون باد خزانی تیره و سرد است. اصل اخلاقی آشکار این هایکو این است: نیک بیندیش و آنگه بگویی.

Aki fukaki

Tonari wa nani wo

Suru hito zo.

—Bashō

واپسین روزهای پائیز است  
در این اندیشه‌ام  
که همسایگانم اکنون به چه کارند.

秋<sup>あき</sup>  
隣<sup>となり</sup>深<sup>か</sup>  
す は き  
る 何<sup>なに</sup>  
人<sup>ひと</sup>を  
ぞ

درو تمام شده و کارهای بیرون از خانه که مقدمه زمستان است انجام گرفته. اکنون که آرامش تمام محله را فرا گرفته و دیگر کاری نمانده است، شاعر به فکر می‌افتد که دوستان سختکوش کشاورز او اوقات فراغت خود را چه‌گونه می‌گذرانند. شاعر خود را از یاد برده به بهروزی همسایگانش می‌اندیشد.

Inazuma ya!  
Yami no kata yuku  
Goi no koe.

—Bashō

آذرخشی تند گذر!  
از ظلمت عبور می کند  
حواصیل شب آواز می دهد.

稲いな  
闇やみ 妻づま  
五ご の や  
位いか  
の た  
声こえ ゆ  
く

تصویر کلامی برجسته‌ئی است از توفانی شبانه و واکنش مرغ وحشی. آذرخش و پرنده هر دو از میان تاریکی پرواز می‌کنند. فریاد تیز «حواصیل شب» خلوت آن موضع و نامنتظر بودن توفان را تأکید می‌کند.

Mono no oto!

Hitori taoruru

Kagashi kana.

—Bonchō

صدای چیزی!

خود به خود افتاده

آن مترسک ژنده.

物の

ひ の

案か と お

山が り と

子し 倒たお

か る

な る

هر صدای ناگهانی تکان دهنده است، اما وقتی که مترسک را، که قبلاً سرپا بود، روی زمین می بینم، آن گاه ترس نگران کننده جای خود را به خنده عصبی می دهد. بون چو (؟ - ۱۷۱۴) یکی از شاگردان باشو بود. پزشکی بود از مردم کاناوا که در کیوتو می زیست.



Mi ni shimu ya!

Naki-tsuma no kushi wo

Neya ni fumu.

—Buson

سرما در من نفوذ می کند

آن گاه که پا می نهم بر شانه موی همسر مرده ام

身<sub>み</sub>

در کف خوابگاه مان.

亡<sub>なき</sub> に

閨<sub>な</sub> 妻<sub>つま</sub> し

に の む

ふ く や

む し

を

به سردی اتاق خواب گرم نشده در اواخر پائیز و سردی غم انگیز درون دل مرد، لرزش ادراکی افزوده می شود که از پا نهادن بر شانه احساس می شود. شانه را به ژاپنی *keshi* می نامند که می توان آن را به معنای «نه مرگ» هم گرفت. از این رو، برای پرهیز از شگون بد، پیش از برداشتن شانه از روی زمین باید آن را لگد کرد. سطر اول را می توان به طور تحت اللفظی به «چه گونه در من نفوذ می کند» ترجمه کرد.

Mijika yo ya!

Ashiato asaki

Yui-ga-hama.

—Buson

چه کوتاه است این زندگی!

ردّ پاهای ضعیف

بر ماسه‌های یوئی-گا-هاما

み

足<sup>あし</sup>じ

湯<sup>ゆ</sup>あ か

井<sup>い</sup>と 世<sup>よ</sup>

が あ や

は さ

ま き

یوئی-گا-هاما در لغت به معنای «ساحل چشمه گرم» (آب گرم) است. در ژاپن، که سرزمینی آتشفشانی است، خیلی جاها هست که از میان ماسه‌ها چشمه آب گرم می‌جوشد، اما در شهر کاماکورا در مرز جنوبی ژاپن، ساحلی هست معروف به «یوئی-گا-هاما».

واژه yo که در سطر اول «زندگی» ترجمه شده به معنای «جهان» و زمانه

نیز است.

نظاره‌ئی که بوسون شاعر از کوتاهی عمر دارد بر خاموشی یا نیستی

شخصیت تأکید می‌کند، که این يك تعليم بودائی است.

Shibu karo ka  
Shiranedo, kaki no  
Hatsu-chigiri.  
—Chiyojo

قابض است یا نه.

نمی‌دانم.

این نخستین خرمالوچینی من است.

渋<sup>しぶ</sup>

し か

初<sup>はつ</sup>ら ろ

ち ね か

ぎ ど

り 柿<sup>かき</sup>

の

غالب ژاپنی‌ها چی‌یوجو را بزرگ‌ترین هایکوسرای زن ژاپن می‌دانند. چی‌یوجو نمی‌دانست آیا اولین ازدواجش نیکبختی‌آور خواهد بود، همان گونه که در وقت چیدن خرمالو نمی‌توان گفت قابض است یا نه. عبارت هاتسو چیگیری دو معنا دارد «اولین چیدن» یا «اولین نامزدی».

Tsuki wo mite

Ware wa kono yo wo

Kashiku kana.

—Chiyojo

از پسِ نظارهٔ ماه  
جهان را وداع می‌گویم  
با بدرودی از ته دل.

月つき  
我れを  
か は 見み  
し こ て  
く の  
か 世よ  
な を

این شعر مرگ به این اندیشه تجلی می‌بخشد که شاعر پس از تماشای یکی از زیباترین چیزها - بدر پائیزی - با رضای خاطر و با دعای خیری برای جهان، زندگی را وداع می‌گوید. واژه ژاپنی «یو» (yo) هم به معنای «جهان» است و هم «زندگی».

思おも  
物もの  
と 言い  
涼すわ  
み ぬ  
け 人ひと  
り

Omou hodo

Mono iwanu hito

To suzumi keru.

—Hyakuchi

با کسی که اهل تعمق است  
اما هیچ سخنی نمی گوید  
از خنکا لذت می برم.

思おも  
物もの  
と 言い  
涼すわ  
み ぬ  
け 人ひと  
り

سفر را رفیق خوب نیکو است، اما اوقاتی هست که همسفر اگر چیزی نگوید  
و خاموشی پیشه کند ما از زیبایی و خنکای شامگاه پائیزی بیش تر لذت  
می بریم. نیکبخت آن که دوستی دارد که وقت خاموش بودن را می داند.  
هیاکوچی (۱۷۴۹-۱۸۳۶) از شاگردان بوسون بود.

Oi nureba  
Hi no nagai ni mo  
Namida kana.

—Issa

چون پیرتر شوم،  
حتی روزهای بسی درازتر  
اشک‌های فراوان می‌آورد.

老おい  
日ひぬ  
涙なみだのれ  
か 長ながば  
な い  
に  
も

این شعر مبین همان فکری است که در این ضرب‌المثل ژاپنی آمده: «عمر دراز خجالت‌های فراوان دارد.» شاعر اینجا بر غم‌هائسی که خورده و خجالت‌های بسیاری که برده می‌گیرد و بر ایام بیش‌تری، که از سر بدبینی می‌پندارد او را به گریستنی فزون‌تر و خواهد داشت، مویه می‌کند.

Meigetsu ya!

Tatami no ue ni

Matsu no kage.

—Kikaku

بدر تابان ماه!

سایه‌های کاج‌ها

بر فرش اتاقم می‌افتد.

名め

た 月づ

松まつた や

の み

か の

げ 上ゑ

に

کی‌کاکو شاگرد مشهور باشو بود. توجه کنید به تقابل سایه‌های سیاه کاج و فرش سفیدی که با مهتاب سفیدتر هم شده. زیبایی ساده طبیعت با پوشش ساده کف اتاق ترکیب می‌شود تا تصویر برجسته‌ئی بسازد.

Yū-gasumi

Omoeba hedatsu

Mukashi kana.

—Kitō

مه‌های شامگاهی.  
هنگامی که به آنها می‌اندیشم، دور است  
ایام گذشته.

夕ゆう  
思おもが  
昔むかしえす  
かばみ  
なへ  
だ  
つ

کی‌تو شاگرد بوسون بود. مه شامگاهی اندکی از خاطرات مه‌آلود ایام گذشته را به یاد شاعر می‌آورد. شب مه‌آلود با اندیشه‌های مه‌آلود شاعر که به‌حوادث گذشته دور می‌اندیشد تقابل جالبی دارد.



Ki-giku, Shira-giku  
Sono hoka no na wa  
Naku-mo-gana.

—Ransetsu

داوودی‌های طلائی!

داوودی‌های سفید!

به ذکر نام‌های دیگر نیازی نیست.

黄<sup>き</sup>  
そ 菊<sup>ぎく</sup>  
な の 白<sup>しら</sup>  
く ほ 菊<sup>ぎく</sup>  
も か  
が の  
な 名<sup>な</sup>  
は

رانست سوشاگرد باشو بود. داوودی شانزده گلبرگی طلائی، تاج امپراتور  
است و رمز کمال. داوودی سفید ناب نماد زیبایی عقیف است. از این رو  
ذکر نام داوودی‌های از رنگ‌های دیگر کاری است زائد.

Ashi-ato wo  
Kani no ayashimu  
Shiohi kana!

—Rohō

با دیدن ردّ پاها  
خرچنگ مظنون می شود  
نگاه کن، جزر است!

足<sup>あし</sup>  
か 跡<sup>あと</sup>  
潮<sup>うしほ</sup>に を  
干<sup>ひ</sup>の  
か あ  
な や  
し  
む

خرچنگ که رد پاهای انسان را به هنگام جزر بر ماسه می بیند با خود  
می اندیشد که دشمنش کجاست و به شك می افتد. آیا انسان نیز در جزر  
زندگیش هنگامی که با هر شرّ و خطری در پیرامونش رو به رو می شود نباید  
با دقت قدم بردارد؟

Mi-yashiro ya!  
Niwa hi ni tōki  
Ukine-dori.

—Shiki

معبد شینتو را نگاه کن!  
دور از چراغ‌های باغ  
مرغان شناور در خوابند.

御<sup>み</sup>  
社<sup>やしろ</sup>  
に  
わ  
や  
う  
き  
火<sup>ひ</sup>  
ね  
に  
鳥<sup>どり</sup>  
と  
お  
き

تصویر زیبایی از آسایش و آرامش کامل: چراغ‌های کم‌سوی باغ معبد  
باستانی و بر دامنه‌های آن برکه آرامی که مرغان آبی وحشی شناور  
خوشدلانه بر آن در خوابند.

Meisho tomo

Shirade, hata utsu

Otoko kana!

—Shiki

هرچند جای مشهوری است  
اما مرد اعتنائی نمی کند  
و به فوکا زدن ادامه می دهد.

名<sup>め</sup>所<sup>しょ</sup>  
知<sup>し</sup>ら<sup>ら</sup>と<sup>と</sup>  
男<sup>おとこ</sup>か<sup>か</sup>で<sup>で</sup>も<sup>も</sup>  
な<sup>な</sup>畑<sup>はた</sup>  
う<sup>う</sup>  
つ<sup>つ</sup>

در سراسر ژاپن نقاطی هست که به زیبایی یا تاریخی بودن شهره است و رویهمرفته نام عمومی می شو (meisho؛ محل مشهور) را دارد. هر ساله دانشجویان و سیاحان به تماشای چنین نقاط مشهوری می روند، و این نقاط اغلب مورد احترام روستائیان محلی است. این شعر شاید تفسیری بر نادانی یا سختکوشی این زارع باشد. شاید هم تعبیر به این شود که مردم اغلب چنان سخت کار می کنند که فرصت ندارند از محیط زیبا و جالبشان لذت ببرند.

Shira-tsuyu ya!  
Mufumbetsu naru  
Okidokoro.  
—Sōin

ای شبنم سفید شفاف!  
با چه قضاوت سستی  
جای آرامیدنت را انتخاب می کنی!

白<sup>しら</sup>  
無<sup>む</sup>露<sup>つゆ</sup>  
お分<sup>ぶん</sup>や  
き別<sup>べつ</sup>  
所<sup>ところ</sup>な  
る

هرچند خطاب به شبنم است اما اندیشه‌های خواننده به کوتاهی عمرهائی  
برمی‌گردد که بر صحنه‌های زمان پیدا و ناپیدا می‌شود. «مثل شبنمی بر خاک»،  
عبارت بودائی مشهوری است. سووین (۱۶۰۵-۱۶۸۲) سامورائی از طایفه  
کوماموتو بود.

Ni ri hodo wa  
Tobi mo dete mau  
Shiohi kana.

—Taigi

محیطی در حدود پنج میل  
غلیوآج‌ها در آسمان پرواز می‌کنند و می‌رقصند.  
باید جزر باشد.

二に

鳶と里り

潮しほもほ

干ひ出でど

かては

なま

う

تایگی (۱۷۷۱-۱۷۰۹) یکی از شاگردان بوسون بود. ری (ri) يك واحد اندازه‌گیری بود به طول ۲/۴۴ میل، فاصله مفروضی که شخص متوسط می‌توانست در يك ساعت بپیماید. پرندگانی که در اوج آسمان چرخ می‌زنند دایره یا محیطی پنج میلی ایجاد می‌کنند که رقص‌های دایره‌وار عامیانه را در نقاط روستائی به یاد شاعر می‌آورند. از این رقص‌ها رقص جشن همه ارواح (بون-ئودوری) بسیار معروف است. سطر آخر شاید وصف پرندگانی چون کرکس باشد که روی مرداب‌ها پرواز می‌کنند و پی خوراك می‌گردند. شاید هم اشاره‌ئی باشد به جزر زندگی.

زمستان

冬

*Fuyu*

“ Yado kase! ” to  
Katana nage-dasu  
Fubuki kana!

—Buson

«امشبم را جایی بده»  
فریاد می‌زند و شمشیرش را می‌اندازد.  
برف بادآورد را نگاه کن!

宿<sup>やど</sup>  
刀<sup>かた</sup>か  
吹<sup>ふ</sup>投<sup>な</sup>せ  
雪<sup>ふき</sup>げと  
か 出<sup>だ</sup>  
な す

مرد شمشیرزن پا به میهمان‌سرا می‌گذارد و شمشیرش را می‌اندازد به نشانه  
این که با نیت صلح خواهانه‌ئی آمده است. آیا ناشناسی که از بوران (در  
لغت: «برف بادآورد») به درون اتاق هجوم آورده مردی بود از چنگ عدالت  
گریزان یا مسافری نیمه یخزده یا بزرگزاده‌ئی که ناشناس سفر می‌کرد؟  
بقیه‌اش دیگر با خواننده است.



Yuku toshi ya!  
Oya ni shiraga wo  
Kakushi keru.

—Etsujin

سال می‌گذرد.  
موهای خاکستریم را  
از والدانم پنهان کرده‌ام.

行<sup>ゆ</sup>  
親<sup>お</sup>年<sup>とし</sup>  
隠<sup>かく</sup>にや  
しし  
けら  
りが  
を


در این شعر، ٲتسوجین (١٦٥٦-١٧٣٩؟) برای این که مبادا پدر و مادر پیرش نگران شوند، موی خاکستریش را از آنان پنهان می‌کند و با این کار مهر فرزندانۀ خاصی به آنان نشان می‌دهد. شاعر شاگرد مشهور باشو بود. هر ژاپنی در نوروز یا روز سال نويک سال پیرتر می‌شود زیرا عمر را با تعداد روز سال نوی که شخص گذرانده حساب می‌کنند. از این رو بچه‌ئی که در دسامبر (آذرماه) متولد شده در اول ژانویۀ (اواسط دی) سال بعد دو ساله می‌شود.

天<sup>てん</sup>  
な も  
降<sup>ふ</sup>し 地<sup>ち</sup>  
り た も  
し だ  
き 雪<sup>ゆき</sup>  
る の

Ten mo chi mo  
Nashi, tada yuki no  
Furi-shikiru.

—Hashin

نه آسمان و نه زمین  
هیچ يك. فقط دانه‌های برف  
یکریز فرو می‌ریزد.

The image shows the calligraphy of the poem 'Ten mo chi mo' in three vertical columns. The characters are written in a fluid, cursive style. The rightmost column contains the characters '天も地も' (Ten mo chi mo). The middle column contains 'なしただ' (Nashi tada). The leftmost column contains '降りし雪の' (Furi shi yuki no).

هاشین (۱۸۶۴-؟) پیشه عطاران (داروفروشی) داشت و از اهالی  
حاکم‌نشین کاگوا بود. هایکوی او تصویری عالی است از بوران برف.

Myōdai ni  
Wakamizu abiru  
Karasu kana!

—Issa

در مقام معاون من  
در آب «سال نو» تن می شوید.  
کلاغ را نگاه کن!

名<sup>みやう</sup>代<sup>だい</sup>  
若<sup>わか</sup>水<sup>みづ</sup>に  
烏<sup>からす</sup>か  
な び  
る

شاعر کلاغی را می بیند که در صبح نوروز دارد در برکه تن می شوید و آن را به طنز معاون خود می خواند. ایسا سپاسگزار کلاغ است چون کاری را می کند که او می بایست بکند. ایسا که روحانی است تقریباً در تمام شعرهایش با پرندگان، غوکان، حشرات، و آفریدگان دیگر طبیعت همدردی عمیق دارد.

Arigata ya!  
Fusuma no yuki mo  
Jōdo kara.

—Issa

خیلی خوش آمدید!  
حتی دانه‌های برف روی بستر نیز  
از «پاکبوم» است.

あ  
衾ふすまり  
浄じょうのらが  
土と雪ゆきた  
か も や  
ら

ایسا چون درگذشت این شعر را زیر بالش او پیدا کردند. پاکبوم (Jodo) بهشت بودائیان است. شاعر که سخت بینوا بود، در کلبهٔ مخروبه‌ئی می‌زیست. غالباً از درز پنجره و دیوار آن برف به اتاق می‌ریخت و روی بستر و کف آن می‌نشست. با اینهمه ایسا روح شادش را حفظ کرده بود.

No mo yama mo  
Yuki ni torarete  
Nani mo nashi.

—Jōsō

دشت‌ها و کوه‌ها سراسر  
بندی برف شده -  
دیگر چیزی نمانده.

野の  
雪も  
な に 山  
に と も  
も ら  
な れ  
し て

جوسو، یکی از ده شاگرد خاص باشو و پیرو ذن بود. هیچی زندگی، که از  
تعالیم مهم این فرقه است، با برف نموده می‌شود، که جلوه‌های طبیعی کاملاً  
متمایزی چون کشتزارها و کوه‌ها را فرو می‌پوشد.

Waga yuki to  
Omoeba, karoshi  
Kasa no ue.

—Kikaku

آن‌گاه که می‌اندیشم آن برف من است  
چه سبک است  
بر کاسای من.

我<sup>わ</sup>  
思<sup>おも</sup> 雪<sup>ゆき</sup>  
笠<sup>かさ</sup> え と  
の ば  
上<sup>う</sup> 輕<sup>かろ</sup>  
し

کاسا کلاه خیزرانی است. شاعر به هنگام دیدن تصویری از سو دون پو، شخصیت ادبی چینی، که کلاه بزرگ پوشیده از برف به سرداشت، این شعر را سرود. معنای کلی: آنچه از آن ما است هرگز به نظر گرانبار نمی‌رسد.

Kimi matsu ya  
Mata kogarashi no  
Ame ni naru.

—Shiki

هنوز چشم به راهی؟  
بار دیگر تندبادهای نافذ  
به باران سرد بدل می‌شود.

君<sup>きみ</sup>  
又<sup>また</sup> 困<sup>こがらし</sup>  
雨<sup>あめ</sup> に なる  
の や

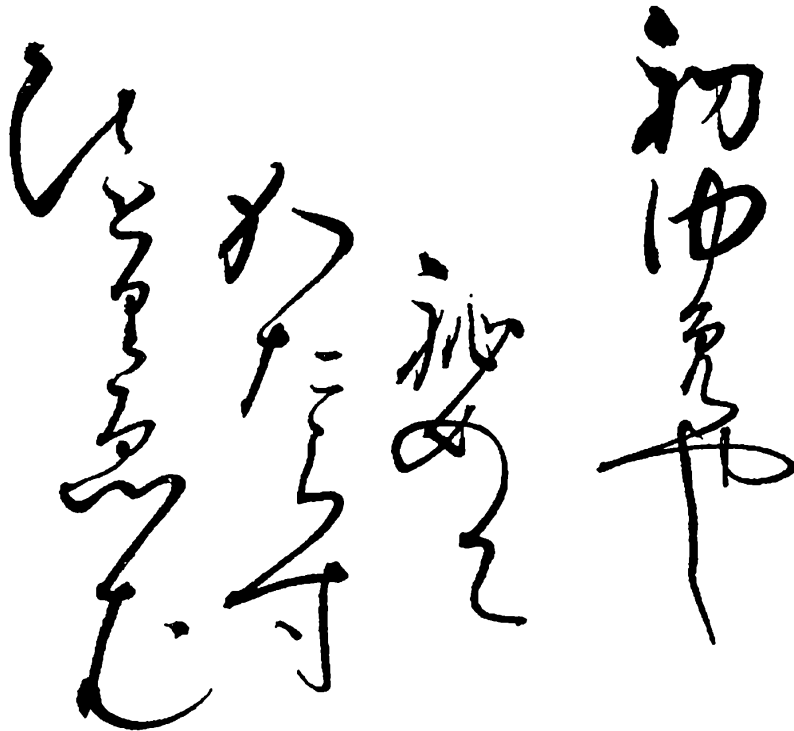
چه تصویر زنده‌ئی از دوستی یا عاشقی از یاد رفته و چشم به راه مانده!  
مقایسه کنید با این شعر رابرت برنز (R.Burns): «خود آیا در تندباد سرد  
بوده‌ای؟»

初<sup>は</sup>  
秘<sup>ひ</sup> 夢<sup>ゆめ</sup>  
一<sup>ひと</sup>め や  
人<sup>ひと</sup>て  
笑<sup>え</sup>か  
む た  
ら  
ず

Hatsu-yume ya!  
Himete katarazu  
Hitori emu.

—Shō-u

با اولین رؤیای سال  
رازم را به کسی نگفتم،  
اما با خود لبخند زدم.



初  
夢  
秘  
一  
人  
笑  
む  
ら  
ず

عقیده بر این بود که اولین خواب سال نو، اگر خوب باشد و به کسی گفته نشود، راست در خواهد آمد. شو-او در ۱۸۶۰ به جهان آمد و در ۱۹۴۳ درگذشت.



E ni kaita  
Yō na kumo ari,  
Hatsu-hinode.

—Shusai

به ابری دلنشین  
در تصویری زیبا می ماند،  
نخستین برآمدن آفتاب «نوروز»!

繪え  
よ じ  
初はう か  
日ひ な い  
の く た  
出でも  
あ  
り

هم ابر سرخگون و هم آفتاب زیبا در نوروز (روز سال نو) بسیار زیبا  
است، اما با هم صحنه فراموش نشدنی ایجاد می کنند.

## فهرست نام‌ها

چی یوجو ۶۶، ۸۴، ۹۵	تسوجین ۱۱۰
	ئدو (Edo) ۱۷
دیسوکو ۸۴	ئوئمارو ۴۱
	ئوتسویو ۷۹
ذن ۸، ۱۰، ۱۹، ۴۵، ۶۲، ۶۵، ۷۸، ۸۸، ۱۱۴	اوکیهاشی ۸۴
	ئومی (دریاچه) ۱۵
	ئونیتسورا ۴۲، ۷۸
ران ستسو ۴۶، ۱۰۱	ایسا ۲۷، ۳۰-۳۳، ۷۰، ۱۱۲، ۱۱۳
رای زن ۸۰	ایسه (معبد) ۴۰، ۷۷
ریوتا ۴۱	
	باشو، ماتسو ۱۳، ۱۷، ۳۵، ۳۹، ۴۲
سانپو (سامپو) ۴۷	۴۷، ۵۳، ۶۱، ۷۳، ۸۸، ۹۲، ۹۹، ۱۱۰
سینگین ۱۳	۱۱۴
سودون پو ۱۱۵	برتر، رابرت ۱۱۶
سوگت سو ۸۳	بوسون - تاینگوجی ۲۱، ۶۵، ۹۴، ۱۰۶
سومیدا (رود) ۲۹	بون-ئودوری ۸۳، ۱۰۶
سووین ۱۰۵	بون جو ۹۲
سیفو ۴۸	بیوا (دریاچه) ۱۵
	پاکبوم (Jodo) ۱۱۳
شو-او ۱۱۷	
شیکو ۵۱	تاکاداته (دژ) ۵۸
شیکی، ماسوئوکا ۴۹، ۸۱	تاکاماتسو ۴۹
شینتو ۴۰	تایگی ۱۰۶
	توکوگاوا ۷۹
فوجیوارا (طایفه) ۵۸	تی شیتسو ۵۲
کاگاوا ۱۱۱	
کاماکورا ۹۴	جوسو ۷۲، ۱۱۴

موکودو ۳۹	کانازاوا ۹۲
موگامی (رود) ۶۱	کوبونتا ۳۸
میمه‌گوری ۷۴	کوماموتو ۱۰۵
	کویا (کوه) ۱۳
نارا ۲۰	کی‌تو ۳۶، ۱۰۰
ناگویا ۵۳	کی‌کاکو ۳۵، ۷۳، ۹۹
	کیگین ۱۳
هاشین ۱۱۱	کیوتو ۲۲، ۹۲
هیاکوچی ۹۷	
هیگونه (طایفه) ۳۹	گلساکی (گوشون) ۳۷
	گوشون ۳۷
یاسوئی ۵۳	گیوتای (گیودای) ۲۶
یوئی‌گاهاما ۹۴	
یوشینو (قله) ۲۰، ۵۲	موریتاکه ۴۰

## نیلوفر صحرائی

دلو چاه مرا اسیر کرده است.  
برای آب به جای دیگر خواهم رفت.

朝あさ 顔がほ  
釣つ 瓶びん へ へ  
貫ぬ 瓶びん へ へ  
い と  
水みづ ら  
れ  
て



چی یوجو (۱۷۰۳-۱۷۷۵) را عموماً بهترین زن هایکوسرای ژاپن دانسته‌اند، و این هایکو شاید بیش از هر شعر دیگر او خواننده داشته است. عشق ژاپنی‌ها را به شکوفه‌ها و گل و طبیعت به زیبایی تصویر می‌کند. به جای شکستن گل شکنده‌ئی که دور دلو پیچیده بود دختر دهاتی طلب آب را به همسایگی می‌رود.

